

## کاوشی در «مقسم به» های قرآن کریم (اهمیت سوگندهای قرآن از لحاظ مقسم به و مقسم له)

خلیل بهرامی قصرچمی

### مقدمه

جهان آفرینش تجلی رحمانیت خداوند است و جایی است که تمام وسایل لازم برای سیر استکمالی بشر فراهم شده است. لذا سوگندهای او نیز از همین صفت نشأت گرفته است و برای رسیدن بدان غایت می باشد.

انسان می تواند با توجه به اهمیت «مقسم به» ها و کمک گرفتن از آنها برای رسیدن به ایقان و ایمان که در صورت «مقسم له» ها و جواب های سوگندها آمده است، استفاده کند. در واقع هر مقسم بهی چون حایلی است که تکیه فکری و عملی بدان، انسان را به وصال حق نایل خواهد نمود.

البته باید دانست که خداوند رحمان را نیازی به سوگند نیست ولی ارحم الراحمین بودن آن ذات اقدس اقتضا دارد که همه عوامل هدایت را - حتی اگر به صورت سوگند باشد - فراهم نماید تا شاید کوتاه فکرترین افراد و آنانی که در منجلا ب کفر و شرک و فساد غوطه ورنند نیز به قهر خداوند دچار نگردند و به سعادت و ساحل نجات نایل آیند.

۱- در اصطلاح پژوهش های قرآنی «مقسم به» به معنی مواردی است که خداوند بدان قسم خورده است و «مقسم له» آنچه است که به جهت اهمیت آن، قسم یاد شده است.

این مهربانی باری تعالی را در گسیل حضرت موسی و هارون علیهم السلام می بینیم که حتی حاضر نیست فردی چون فرعون به عذاب خشم و غضب او گرفتار آید. تمام عوامل هدایت او را فراهم نموده و به رسول خود می فرماید با او در آغاز با قول لَئِن سدید صحبت کند؛ «لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى»؛ باشد که متذکر شود یا از اعمال خود در برابر حق بترسد و هدایت گردد.

\* \* \*

سوگندهای باری تعالی را در قرآن کریم می توان دارای دو فایده مهم دانست؛ یکی تأکید روی یک مطلب بسیار مهم که اعتقاد و توجه بدان از مسایل مهم و اساسی جهان بینی بشر است و بدون آن، هدف و برنامه ای صحیح برای رسیدن بدان هدف، حاصل نمی شود؛ و دیگر بیان عظمت «مقسم به» یعنی چیزی است که بدان سوگند یاد شده است زیرا هیچ کس به موجودات کم ارزش و بی اهمیت سوگند یاد نمی کند. این نکته نیز باید مورد توجه قرار گیرد که تمام آفرینش و اجزای آن دارای اهمیت وجودی است و واجب الوجود ضرورت وجودی آن را ایجاب کرده و به منصفه ظهور رسانده است و هیچ چیز در این گردون عبث نخواهد بود و این اهم و مهم نمودن از طرف انسان است که طبق سلیقه خود بعضی را بهای بیشتر و بعضی را ارزش کمتری قابل است، چون هر فردی از آدمی ارزش هر چیزی را در طیف نیازهای روحی و مادی خود می سنجد و گرنه در این جهان هیچ مهره ای هرز و بیهوده نیست و شایستگی آن را دارد که وجود از طرف حق «مقسم به» واقع شود.

خداوند خود حق است و هر آنچه از او صادر شده نیز حق می باشد لذا در هر سوگندی به حقیقت یکی از حقایق، برای اثبات حقی دیگر سوگند یاد شده که جلوه خاصی در هدایت بشریت به سوی حق دارد.<sup>۱</sup>

۱- نتیجه کلی دیگر که می توان از آیات قرآن و بیانات ائمه اطهار علیهم السلام و پژوهش های محققان اسلامی گرفت این است که سوگندهای قرآن بزرگ ترین و عالی ترین وسیله و عامل گرایش افکار و عقول انسان است به تحقیق در ژرفای مسایل و موجودات جهان، تا از رهگذر این کوشش ها و پژوهش ها درهای علوم و دانش هایی را به سوی جامعه انسانی بکشایند و خود و جامعه را از جهل و ظلمت و

در این جا بهتر آن است مواردی از سوگندها را که در قرآن کریم آمده از نظر مقسم به و مقسم له بررسی نماییم تا با همراهی با این کلام معجز، خود را بهتر به هدف رهنمون سازیم.

۱- سوره مبارکه «صافات» نخستین سوره قرآن کریم است که اولین آیات آن با سوگند شروع می شود؛ سوگندهایی پر معنا و اندیشه انگیز؛ سوگندهایی که فکر انسان را همراه خود به جوانب مختلف این جهان می کشاند و آماده پذیرش حقایق می نماید.

همان گونه که قبلاً گفته شد، درست است که خداوند از همه راستگویان، راستگوتر است و نیازی به سوگند ندارد - به علاوه اگر برای مؤمنان باشد، که آنها بدون سوگند تسلیمند و اگر برای منکران باشد، آنها که اعتمادی به سوگندهای الهی ندارند - ولی باید توجه داشت که دو نکته زیر در تمام آیات قرآن، مشکل سوگند را حل خواهد کرد:

الف - همیشه سوگند را به امور پر ارزش و مهم یاد می کند. بنابراین سوگندهای قرآن دلیل بر عظمت و اهمیت اموری است که به آنها سوگند یاد شده و همین امر سبب اندیشه هرچه بیشتر در مقسم به، یعنی چیزی که سوگند بدان یاد شده است می گردد و اندیشه انسان را به حقایق آشنا می سازد.

ب - سوگند همیشه برای تأکید است و دلیل بر این است که مقسم له، یعنی اموری که برای آنها سوگند یاد شده از اموری جدی و مؤکد است که اعتقاد به آنها، پایه های جهان بینی و ایدئولوژی انسان را روشن خواهد ساخت.

→ رکود فکری رهاننده و آفریننده عالم، قادر، حکیم و مدبر آنها را به نیکی بشناسند. خداوند بدین وسیله با سوگندهای خود در قرآن، انگیزه کنجکاری را در بشر به وجود آورده تا او دستگاه عظیم خلقت را بشناسد و اسرار آن را کشف نماید و با استفاده از این رموز، زندگی فردی و اجتماعی و مادی و معنوی خود را به سوی عالم نور، متحول سازد.

در یک سخن باید خلاصه کرد که سوگندهای خداوند کریم در قرآن، کلید دانش هاست (\*) و یکی از معجزات بزرگ علمی این کتاب آسمانی است که بر تارک اعصار می درخشد. (\*\*)

\* الجواهر، طنطاوی، ج ۲۵، ص ۲۵۸.

\*\* سوگندهای قرآن کریم، ابوالقاسم رزاقی، ص ۵۳ (با تصرف و تلخیص).

از این گذشته هرگاه گوینده، سخن خود را قاطعانه بیان کند، از نظر روانی در قلب شنونده بیشتر اثر می‌گذارد. مؤمنان را قوی‌تر و منکران را نرم می‌سازد. به هر حال در آغاز سوره «صافات» به نام سه گروه سوگند یاد شده است: آنها که صف کشیده‌اند؛ آنها که قویاً نهی می‌کنند؛ و آنها که پی در پی ذکر الهی را تلاوت می‌کنند.<sup>۱</sup> و این همه باعث درنگ انسان در عالم ملک و ملکوت است تا وی را به نجات و رستگاری برساند.

۲- سوره مبارکه «ص» دومین سوره‌ای است که با سوگندهای مکرر آغاز می‌شود؛ سوگندهای بیدارکننده و آگاهی بخش. بسیاری از سوره‌های قرآن چنین است و جالب این که این سوگندها غالباً مقدمه‌ای است برای بیان مسأله معاد. جز در مواردی که با مسأله توحید و غیر آن مربوط می‌شود. و نیز جالب این که محتوای این سوگندها ربطی خاص با محتوای رستاخیز دارد و با ظرافت و زیبایی مخصوصی این بحث مهم را از جوانب گوناگون تعقیب می‌کند.

۳- در سوره مبارکه «ذاریات» خداوند به پنج موضوع مختلف سوگند یاد کرده است که چهار مورد آن پشت سر هم و یک مورد به صورت جداگانه است. خداوند با آن عظمت و قدرت به جای اطمینان دادن به بندگان شکاک و دیرباور... سوگند یاد می‌کند، باشد که اینان نیز به ورطه هلاکت نیفتند.

۴- سوره مبارکه «طور»، یکی دیگر از سوره‌هایی است که با سوگند شروع می‌شود؛ سوگندهایی برای بیان یک واقعیت مهم یعنی مسأله قیامت و معاد در رستاخیز و محاسبه اعمال انسان‌ها.

اهمیت این مسأله (قیامت) - همان گونه که گفته شد - به قدری است که در آیات مختلف به بسیاری از مقدسات برای حقانیت وقوع آن سوگند یاد شده تا عظمت آن روز، هویدا شود.

پنج سوگندی که در آغاز این سوره به چشم می‌خورد معانی سربسته و تفکر

انگیزی دارد که مفسران در تفسیر آنها به همه جا دست افکنده‌اند.

در این سوره سوگند به کتابی خورده شده که بر صفحه‌ای از بهترین صفحات نگاهشته شده و در عین حال باز و گسترده است، نه پیچیده. سه سوگند نخست از آیات تشریحی سخن گفته و دو سوگند بعد از آیات تکوینی سخن می‌گوید.

یکی از این دو سوگند به مهم‌ترین نشانه‌های توحید، یعنی آسمان با عظمت اشاره دارد؛ و دیگری به یکی از نشانه‌های مهم معاد که در آستانه رستاخیز رخ می‌دهد. بنابر این توحید و نبوت و معاد، در این پنج سوگند جمع است.

ارتباط این قسم‌ها و موضوعی که برای آن قسم یاد شده (مقسم له) این است که سوگندهای فوق بر محور قدرت خداوند در عالم تکوین و تشریح دور می‌زند و بیانگر این است که چنین کسی به خوبی قادر است مردگان را بار دیگر به زندگی و حیات بازگرداند و قیامت را برپا کند. این همان چیزی است که سوگندها به خاطر آن یاد شده است، همان‌گونه که در آخرین آیات می‌خوانیم: ﴿إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ﴾.

۵- در سوره مبارکه «نجم» خداوند به موجودات عظیمی از جهان خلقت سوگند یاد می‌کند. در آیات دیگر قرآن نیز به خورشید و ماه و مانند آن سوگند یاد شده است. تکیه بر غروب آنها - در حالی که طلوع آنها بیشتر جلب توجه می‌کند - به خاطر آن است که غروب ستارگان دلیل بر حدوث آنها می‌باشد و نیز دلیلی است بر نفی عقیده ستاره پرستان؛ همان‌گونه که در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام آمده است.

بنابر این خداوند هم به طلوع ستارگان سوگند یاد کرده و هم به غروب آنها؛ چرا که طلوع و غروب دلیل بر حدوث و اسارتشان در چنگال قوانین خلقت است. این سوگند برای این یاد شده که هرگز دوست شما، محمد صلی الله علیه و آله و سلم منحرف نشده و مقصد را گم نکرده است.<sup>۱</sup>

۱- ﴿مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى﴾، نجم/ ۱-۲.

۶۔ در سورة مبارکه «قلم» خداوند ہم به ابزار نوشتن (والقلم) و ہم به محصول آن (و مایسطرون) سوگند یاد کرده است، زیرا «قلم» تضمین کننده سعادت حیات بشری است، و «مایسطرون» برای اتصال میراث گذشتگان به آیندگان؛ و ہم برای این که قرآن که خود حاصل قلم حق تعالی است بهترین گواه عدم جنون آورنده آن است۔ هر چند کور دلان برای گرمی بازار فریب و ریای خود چنین نسبت های پوچی را به او می دهند.

۷۔ در سورة مبارکه «قیامت» سوگند یاد شده که روز قیامت و رستاخیزی هست. این سوگند به خاطر آن است که مسأله رستاخیز آن چنان مسلم شمرده شده که حتی در برابر منکران نیز می توان به آن سوگند یاد کرد.

۸۔ در آیات سورة «مرسلات»، در بخش نخست به بادهای و توفان ها سوگند یاد شده است؛ به خاطر نقش مهمی که بادهای و توفان ها در جهان آفرینش دارند؛ ابرها را به حرکت در می آورند سپس آنها را بر فراز زمین های خشک و مرده پیوند می دهند و بعد از نزول باران آنها را متفرق می سازند. بذرها را گیاهان را جابه جا می کنند و جنگل ها و مراتع را به وجود می آورند و بسیاری از گل ها و میوه ها را بارور می سازند و حرارت و برودت را از مناطق مختلف زمین به نقاط دیگر می برند و هوا را معتدل می کنند و هوای زنده و پر اکسیژن را از مزارع و صحراها به شهرها می برند و هوای آلوده را برای تصفیه به صحرا می فرستند. آب های دریا را متلاطم و موج و برای موجودات زنده آبری پر از اکسیژن می کنند. آری! بادهای و نسیم ها خدمات عظیم و حیاتی در جهان دارند.

در بخش دیگر، از نزول وحی به وسیله فرشتگان یاد می شود. چون نزول وحی در عالم معنی با وزش نسیم در عالم ماده شباهت دارد. فرشتگان کلمات وحی را که همچون قطرات باران زنده کننده است بر قلوب پیامبران خدا نازل می کنند و میوه های معارف الهی و تقوا را در قلب ها می رویند.

به این ترتیب خداوند هم به مربیان این عالم و هم به مربیان عالم معنی سوگند یاد کرده است.

جالب این که این سوگندها برای بیان واقعیت روزی است که تمام این تلاش ها و کوشش ها به ثمر می نشینند؛ یعنی «روز قیامت و یوم الفصل»<sup>۱</sup>.

۹- در سوره «ذاریات» خداوند سوگند خورده و فرموده است: ﴿فَو رَبِّ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ الْحَقُّ﴾، این سوگند دلالت دارد بر این که خداوند متعال که ربّ و مدبّر آسمان و زمین است، مبدأ رزق مرزوقین هم هست.

۱۰- در سوره «حجر» در مورد مستی کفار، همانند سوگند بر گمراهی و کوری آنان، سوگند یاد کرده و فرموده است: ﴿لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾<sup>۲</sup> دلیل آن را نیز بیان فرموده و آن جان پیامبر ﷺ است؛ جانی که طاهر و به عصمت خدایی، مصون از هر نقص است و معلوم است که مخالفین چنین پیامبر معصومی، در مستی و سرگردانی به سر می برند.

۱۱- در سوره مبارکه «انشقاق» خداوند متعال به شفق و شب و آنچه را که جمع آوری می کند و بدر کامل، سوگند یاد می کند؛ مقسم به هایی که مربوط به هم اند و ربوبیت حق تعالی را در نظام آفرینش و قدرت لا یزال او را در ترکیب بدیع جهان خلقت - که هیچ وقت بر اثر تکرار ملالی را ایجاد نمی کند و کهنه نمی شود - می رساند؛ شاید که قفل ها از قلوب باز شود و اندیشه از حسیض تن رها گردد و غافلان بیندیشند و از نردبان ترقی صعود نمایند.

این سوگندها چه تناسب عجیبی با جواب خود دارند؛ عناصری که نظام طبیعت را تشکیل می دهند، با جریان خود شرایط ترقی انسان را فراهم می نمایند تا او دائماً از وضعی و حالتی به وضع و حالتی بالاتر و با رونق تر پیش رود<sup>۳</sup> و به غایت و هدف خود که برایش مقدر شده است، برسد.

۱۲- در سوره «تین» خداوند به سرزمین شام و بیت المقدس<sup>۴</sup> و طور سنین و شهر

۱- «انما توهدون لواقع»؛ هر آینه هر آنچه به شما داده شده است واقع شدنی است.

۲- حجر / ۷۲.

۳- «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ»؛ که شما دائماً از حالی به حال دیگر منتقل می شوید. انشقاق / ۱۹.

۴- تین و زیتون نیز تفسیر شده است و فواید آنها را ما در محل خود آورده ایم.

مکه سوگند یاد کرده و بیان داشته که «ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم» ولی او به علت انتخاب بد به پایین ترین مرحله بازگردانده شد.

خداوند در این سوره به سرزمین هایی که انبیا و اولیای الهی در آن به هدایت پرداخته اند سوگند یاد کرده است و به این جهت خلقت انسان را مطرح کرده است که انسان در شرایط لازم و کافی برای پیروی از رسالت انبیا و طی نمودن طریق هدایت قرار گرفته و تقویم یافته است و این خود اوست که باید خود را در مصب الطاف و فیوضات حق قرار دهد تا به کمک استعدادها و قوای فطری خود به سعادت برسد و...<sup>۱</sup>

ما به یمن عدد کامل اثنی عشر (۱۲) - که عدد اولیای حق بعد از ختم رسل می باشد - موارد مذکور را آوردیم، زیرا که پیروی از قرآن و عترت پاک حضرت ختمی مرتبت ﷺ تنها راهگشای بهشت رضوان حق است و تمام سوگندها در قرآن این حقیقت را اشعار می دارد.

یکی از چهره های اعجاز این کتاب آسمانی همانا قسَم های آن و روابط پیچ در پیچ آنها با هم و با عناصری است که به آنها سوگند یاد شده است که از زیباترین و درخشان ترین فرازهای آن است و ان شاء الله شرح هر کدام به عون و توفیق حضرتش در جای خود خواهد آمد.

یکی دیگر از وجوه این اعجاز، تشویق و تحریص مردم است نسبت به شناخت طبیعت و خلقت که به طور غیر مستقیم ترغیبی است نسبت به تحصیل علوم طبیعی و پرورش بُعد عقلانی و قوه فاکره و استفاده از آنها در جهت درک حقایق هستی و فراهم نمودن زمینه کار و تلاش در دنیا به عنوان مزرعه آخرت، برای نیل به کسب رضایت حق.



استقصای سوگندهای قرآن کریم

■ سوگند به خداوند:

- ۱- ﴿تَاللّٰهِ لَئِن لَّمْ يَکْفُرْ بِنِعْمَتِنَا لَأَرْسِلَنَّ مِنْ سَمَوٰتِنَا سَحَابًا مَّوْجًا فَتُصٰدِقُکُمْ بِسَحَابٍ مِّمَّنْ لَیْسَ لَکُمْ مِنْهُ حِسَابٌ ۝۵۶﴾ نحل / ۵۶.
- ۲- ﴿تَاللّٰهِ لَقَدْ اَرْسَلْنَا اِلٰی اٰمَمٍ مِنْ قَبْلِکَ فَزِیْرَ لَہِمُ الشَّیْطٰنُ اَعْمٰلَہُمْ فَہُوَ وَلِیُّہُمْ الْیَوْمَ وَ لَہُمْ عَذَابٌ اَلِیْمٌ ۝۶۳﴾ نحل / ۶۳.
- ۳- ﴿فَلَا اَقْسَمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ اَنَا لَقَادِرُوْنَ عَلٰی اَنْ نَّبْدَلَ خَیْرًا مِنْہُمْ وَ مَا نَحْنُ بِمَسْبُوْقِیْنَ ۝۴۰﴾ معارج / ۴۰.
- ۴- ﴿فَلَا وَ رَبِّکَ لَا یُؤْمِنُوْنَ حَتّٰی یَحْکُمُوْکَ فِیْمَا شَجَرَ بَیْنَہُمْ...﴾ نساء / ۶۵.
- ۵- ﴿فَو رَبِّکَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَ الشَّیْطٰنِیْنَ...﴾ مریم / ۶۷.
- ۶- ﴿وَ قَالَ الَّذِیْنَ کَفَرُوْا لَا تَاْتِیْنَا السَّاعَةَ قُلْ بَلٰی وَ رَبِّیْ لَتَاْتِیْنٰکُمْ عَالَمُ الْغَیْبِ ۝۳﴾ سبا / ۳.
- ۷- ﴿وَ یَسْتَنْبِؤْنٰکَ اِحْقَ هُوَ قُلْ بَلٰی وَ رَبِّیْ اِنَّہُ الْحَقُّ وَ مَا اَنْتُمْ بِمُعْجِزِیْنَ ۝۵۳﴾ یونس / ۵۳.
- ۸- ﴿فَو رَبِّکَ لَنَسْتَلْتَنَّهُمْ مَّجْمِعِیْنَ اَعْمٰکَ اَنْوَاعًا یَعْمَلُوْنَ ۝۹۳﴾ حجر / ۹۳.
- ۹- ﴿فَو رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ اِنَّہُ الْحَقُّ وَ مَا اَنْتُمْ بِمُعْجِزِیْنَ ۝۲۳﴾ ذاریات / ۲۳.
- ۱۰- ﴿زَعَمَ الَّذِیْنَ کَفَرُوْا اِنْ لَنْ یَّبْعَثُوْا قُلْ بَلٰی وَ رَبِّیْ لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبِّؤُنَّ بِمَا عَلَّمْتُمْ ذٰلِکَ عَلٰی اللّٰهِ یَسِیْرٌ ۝۷﴾ تغابن / ۷.
- ۱۱- ﴿وَ السَّمٰوٰتِ وَ مَا بَنٰہَا ۝۵﴾ شمس / ۵.
- ۱۲- ﴿وَ الْاَرْضِ وَ مَا طَحَاہَا ۝۶﴾ شمس / ۶.
- ۱۳- ﴿وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّآہَا ۝۷﴾ شمس / ۷.
- ۱۴- ﴿وَ مَا خَلَقَ الذَّکْرَ وَ الْاُنْثٰی ۝۳﴾ لیل / ۳.

■ سوگند به فرشتگان:

- ۱- ﴿وَ الصّٰفٰتِ صَفًا \* فَالْزَاجِرٰتِ زَجْرًا \* فَالتَّالِیٰتِ ذِکْرًا \* اِنَّ الْہِکْمَ

لِوَاحِدٍ ۝۱-۴﴾ الصافات / ۱-۴.

- ۲- ﴿و المرسلات عرفاً \* فالعاصفات عصفاً \* والناشرات نشراً \* فالفارقات فرقاً \* فالملقيات ذكراً \* عذراً أو نذراً \* انما توعدون لواقع﴾، مرسلات / ۱- ۷.
- ۳- ﴿و النازعات غرقاً \* والناشطات نشطاً \* والسابحات سبحاً \* فالسابقات سبقاً \* فالمدبرات امراً﴾، نازعات / ۱- ۵.

■ سوگند به پیامبر ﷺ :

- ۱- ﴿لعمرك انهم لفي سكرتهم يعمهون﴾، حجر / ۷۲.
- ۲- ﴿و شاهد و مشهود﴾، بروج / ۳.
- ۳- ﴿لا اقسام بهذا البلد \* و انت حل بهذا البلد﴾، بلد / ۱ و ۲.

■ سوگند به قرآن:

- ۱- ﴿يس \* و القرآن الحكيم \* انك لمن المرسلين \* على صراط مستقيم﴾، يس / ۱- ۴.
- ۲- ﴿حم \* و الكتاب المبين \* انا انزلناه في ليلة مباركة انا كنا منذرين﴾، دخان / ۱- ۳.
- ۳- ﴿ق \* و القرآن المجيد﴾، ق / ۱.
- ۴- ﴿حم \* و الكتاب المبين﴾، زخرف / ۱ و ۲.
- ۵- ﴿ص \* و القرآن ذی الذکر﴾، ص / ۱.

■ سوگند به قیامت:

- ۱- ﴿لا اقسام بیوم القیامة﴾، قیامت / ۱.
- ۲- ﴿و الیوم الموعود﴾، بروج / ۲.

■ سوگند به نفس انسانی:

- ۱- ﴿و نفس و ما سواها \* فالهمها فجورها و تقواها \* قد افلح من زکیها \* و قد خاب من دسیها﴾، شمس / ۷- ۱۰.

■ سوگند به وجدان انسانی:

۱- ﴿و لا اقسم باللّٰوامة﴾، قیامت / ۲.

■ سوگند به قلم ، نوشته و دوات:

۱- ﴿ن \* و القلم و ما یسطرون﴾، قلم / ۱.

■ سوگند به کتاب:

۱- ﴿کتاب مسطور فی رق منشور﴾، طور / ۲ و ۳.

■ سوگند به اسبهای پیکارگران:

۱- ﴿و العادیات ذبحاً \* فالموریات قدحاً \* فالمغیرات صبحاً﴾، عادیات / ۱- ۵.

■ سوگند به پدر و فرزند:

۱- ﴿و والدٍ و ما ولدہ﴾، بلد / ۳.

■ سوگند به آسمان:

۱- ﴿و السماء ذات الحبک﴾، ذاریات / ۷.

۲- ﴿و السماء ذات البروج﴾، بروج / ۱.

۳- ﴿و السماء ذات الرّجج﴾، طارق / ۱۱.

۴- ﴿و السماء (و ما بناها)﴾، شمس / ۴.

۵- ﴿و السماء (و الطارق)﴾، طارق / ۱.

۶- ﴿و السّقف المرفوع﴾، طور / ۵.

■ سوگند به خورشید و نور آن:

۱- ﴿و الشّمس و ضحیها﴾، شمس / ۱.

■ سوگند به سپیده صبح:

- ۱- ﴿و الصّبح اذا اسفر﴾، مدثر / ۳۴.
- ۲- ﴿و الصّبح اذا تنفس﴾، تکویر / ۱۸.
- ۳- ﴿و الفجر﴾، فجر / ۱.

■ سوگند به چاشتگاه:

- ۱- ﴿و الشمس و ضحیها﴾، شمس / ۱.
- ۲- ﴿و الضحی﴾، ضحی / ۱.

■ سوگند به روز:

- ۱- ﴿و النهار اذا جلیها﴾، شمس / ۴.
- ۲- ﴿و النهار اذا تجلی﴾، لیل / ۲.

■ سوگند به غروب آفتاب:

- ۱- ﴿فلا أقسم بالشفق﴾، انشقاق / ۱۷.

■ سوگند به شب و آنچه شب جمع نماید:

- ۱- ﴿و اللیل اذا ادبر﴾، مدثر / ۳۳.
- ۲- ﴿و اللیل اذا عسعس﴾، تکویر / ۷.
- ۳- ﴿و اللیل و ما وسق﴾، انشقاق / ۱۷.
- ۴- ﴿و اللیل اذا یسر﴾، فجر / ۴.
- ۵- ﴿و اللیل اذا یغشیها﴾، شمس / ۴.
- ۶- ﴿و اللیل اذا یغشی﴾، لیل / ۱.
- ۷- ﴿و اللیل اذا سحی﴾، ضحی / ۲.

■ سوگند به شب‌های دهگانه:

۱- ﴿و لیلای عشری﴾، فجر / ۲.

■ سوگند به ستارگان:

۱- ﴿فلا اقسام بالخنس الجوار الكنس﴾، تکویر / ۱۵ و ۱۶.

۲- ﴿و النجم اذا هوی﴾، نجم / ۱.

۳- ﴿فلا اقسام بمواقع النجوم و انه لقسم لو تعلمون عظیم﴾، واقعه / ۷۵.

۴- ﴿و الطارق﴾ \* و ما ادراك ما الطارق \* النجم الثاقب﴾، طارق / ۱ - ۳.

■ سوگند به زمین:

۱- ﴿و الأرض و ما طحیها﴾، شمس / ۶.

۲- ﴿و الأرض ذات الصدع﴾، طارق / ۱۲.

■ سوگند به ماه:

۱- ﴿کأ و القمر﴾، مدثر / ۳۲.

۲- ﴿و القمر اذا تلیها﴾، شمس / ۲.

۳- ﴿و القمر اذا اتسق﴾، انشقاق / ۱۸.

■ سوگند به باد:

۱- ﴿و الذاریات ذروا﴾، ذاریات / ۱.

■ سوگند به ابر:

۱- ﴿فالحاملات و قرأ﴾، ذاریات / ۲.

■ سوگند به مکه:

۱- ﴿لا اقسام بهذا البلد﴾، بلد / ۱.

۲- ﴿و هذا البلد الأمين﴾، تین / ۳.

■ سوگند به محل فرود وحی بر موسی:

۱- ﴿و الطور﴾، طور / ۱.

۲- ﴿... و طور سینین...﴾، تین / ۲.

■ سوگند به خانه آباد:

۱- ﴿و البيت المعمور﴾، طور / ۴.

■ سوگند به دریا:

۱- ﴿و البحر المسجور﴾، طور / ۶.

■ سوگند به کشتی:

۱- ﴿و الجاریات یسراً﴾، ذاریات / ۳.

■ سوگند به دو نمونه از غذای انسان:

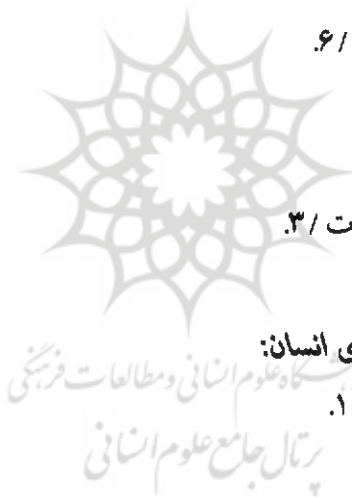
۱- ﴿و التین و الزیتون﴾، تین / ۱.

■ سوگند به عصر (زمان):

۱- ﴿و العصر﴾، عصر / ۱.

■ سوگند به جفت و طاق:

۱- ﴿و الشفع و الوتر﴾، فجر / ۳.



پرتال جامع علوم انسانی  
 مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی  
 مرکز تخصصی علوم انسانی

■ سوگند به تمام هستی (دیدنی‌ها):

۱- ﴿فلا أقسم بما تبصرون﴾، الحاقه / ۳۸.

■ سوگند به نادیدنی‌ها:

۱- ﴿فلا أقسم بما... ما لا تبصرون﴾، الحاقه / ۳۹.

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

\* \* \*



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی